

خانواده ایرانی و تحولات فرهنگی-اجتماعی: تحلیل نسلی

محمد جواد چیت‌ساز^۱


شناسه پژوهشگر (آرکید): ۴۴۷۵-۸۹۷۵-۰۰۰۶-۰۰۰۹

چکیده

خانواده ایرانی محل استقرار، حضور و عمل سه نسل متفاوت است. با توجه به تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده ایرانی در چند دهه اخیر، توجه به این تغییرات در میان نسل‌ها اهمیت دارد، زیرا آن‌ها به‌طور متفاوتی در معرض تغییرات بوده‌اند و در نتیجه تغییرات اجتماعی را به‌گونه‌ای متفاوت درک، باور و عملیاتی کرده‌اند. درک تفاوت‌های نسلی می‌تواند به شناخت تغییرات رُخ داده در خانواده و همچنین پیش‌بینی پتانسیل موجود برای تغییرات آینده خانواده کمک کند. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل ثانویه کمی، به تحلیل داده‌های «طرح پیمایش ملی خانواده» (۱۳۹۶) در بین ۵۰۰۰ نفر از افراد متأهل ساکن در مناطق شهری کشور با هدف آگاهی از نظرات آن‌ها در زمینه مسائل مربوط به خانوار و خانواده شامل ازدواج، نگرش‌های جنسیتی، ساختار قدرت و خشونت خانگی پرداخته است. بر اساس نتایج این مطالعه، شاهد نگرش مثبت و سنتی نسل‌های مختلف خانواده ایرانی به ازدواج و هم‌زمان رشد نگرش مدرن به ازدواج (توجه بیشتر به معیارهای مدرن همسرگزینی و الگوی فردمحور) در میان نسل سوم خانواده ایرانی هستیم. از نظر خشونت خانگی نیز کمترین میزان خشونت در نسل سوم خانواده ایرانی روی داده و از طرف دیگر ساختار قدرت در نسل سوم خانواده متمایل به الگوی خانواده مدنی شده است.

کلیدواژگان: نسل‌های خانواده ایرانی، تحولات فرهنگی، تحولات اجتماعی، تحلیل نسلی

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی / j.chitsaz@gmail.com

	مقاله علمی پژوهشی
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۷/۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۲
	دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۱۲-۸۹

۱. مقدمه و بیان مسئله

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که در اشکال مختلف در هر جامعه‌ای یافت می‌شود. خانواده واحد بنیادین جامعه و مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که اساس و پایه حیات اجتماعی محسوب می‌شود. بررسی نهاد خانواده در قرن اخیر حکایت از تغییر و تحولات عمیق در نهاد خانواده دارد. گیدنز معتقد است در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است (گیدنز، ۱۹۹۴: ۱). متعاقب صنعتی شدن و فرایند مدرنیته در غرب، نهاد خانواده دچار تغییرات بسیاری شد؛ به طوری که برخی از صاحب نظران بر زوال خانواده در غرب تأکید می‌کنند. اندیشمندان و صاحب نظرانی که در اردوگاه چشم انداز افول خانواده قرار می‌گیرند، بر این عقیده‌اند که در جهان مدرن به دلایل مختلف نهاد خانواده تضعیف شده است. مهم‌ترین این تغییرات عبارت‌اند از: کاهش کارکردهای خانواده و تقلیل آن به کارکردهای عاطفی (پوپنونه، ۱۹۹۳)، شکل‌گیری اشکال مختلف خانواده (گیدنز، ۱۹۹۲)، کاهش قدرت کنترل رفتارهای جنسی اعضای خانواده (لش، ۱۹۷۷)، کاهش نقش حمایت‌گری عاطفی خانواده و ناکارآمدی این نقش در برابر واقعیات زندگی مدرن (نیومن، ۱۹۹۹)، کاهش زمان حضور والدین در خانه و افزایش تنهایی‌های کودکان (پوپنونه، ۱۹۹۳)، افزایش خودمختاری افراد و کاهش پذیرش محدودیت‌ها از سوی خانواده (کاستلز، ۱۳۸۰)، کاهش اعتقاد به نقش‌های فزاینده فشار هنجارهای الزام‌آور ازدواج و متأهل ماندن (نیومن، ۱۹۹۹)، کاهش اعتقاد به نقش‌های جداگانه برای مرد و زن (همسران)، افزایش میزان مادری بدون ازدواج (کبیران، ۲۰۰۴؛ نیومن، ۱۹۹۹)، کاهش انگیزه و گرایش به بچه‌دار شدن، کاهش ارزش نقش مادری از دیدگاه زنان، کوچک شدن ابعاد خانواده (کبیران، ۲۰۰۴؛ نیومن، ۱۹۹۹)، افزایش میزان طلاق (کاستلز، ۱۳۸۰) و افزایش میزان همزیستی بدون ازدواج (کبیران، ۲۰۰۴). معتقدان به افول خانواده با استناد به این دلایل، معتقدند که شکل بنیادی خانواده هسته‌ای، دیگر فراگیر نیست. برخی نیز چنین استدلال می‌کنند که با وجود عمومیت خانواده هسته‌ای، «هنجارهای خانواده» مبنی بر تشکیل خانواده توسط زوج ازدواج کرده، جای خود را به اشکال و ترتیبات دیگری از خانواده داده است (کبیران، ۲۰۰۴) «(به نقل از زاهدزاهدانی و کاوه، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

دگرگونی خانواده مسئله‌ای منحصر به جامعه یا جوامعی خاص نبوده و همان‌گونه که گیدنز (۱۹۸۹) اشاره می‌کند، چنین تغییراتی در خانواده بعد جهانی دارد و علاوه بر جوامع غربی، در سایر جوامع نیز از گستره و شتاب چشم‌گیری برخوردار است. گود (۱۹۶۳)، تورنتون و همکاران (۲۰۰۱، ۲۰۰۴)، به نقل از زاهدزاهدانی و کاوه، (۱۳۹۶) و بیان و همکارانش (۲۰۰۲) به مواردی همچون افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج، افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ مولید و... به عنوان تغییرات صورت گرفته در خانواده گره‌ای در سال‌های اخیر اشاره می‌کنند. از نظر آن‌ها اهمیت این تغییرات به گونه‌ای است که به سستی در چهارچوب مفهوم سنتی خانواده قابل فهم و تفسیرند. بررسی داده‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ در آمریکای لاتین، حاکی از ظهور خانواده‌های تک نفره، خانواده‌های بدون هسته و خانواده‌های مختلط در نتیجه طلاق و جدایی، بیوگی یا

شکست هم‌بالینی‌ها و اقدام به ازدواج یا رابطه جدید است (اریاگادا، ۲۰۰۲، تورنتون و فریک، ۱۹۸۷ به نقل از جنادله و رهنما، ۱۳۹۳). نیز در یک مطالعه تطبیقی بین کشورهای غربی، چین و آسیای جنوبی، شاهد تغییرات مشابهی در ساختار خانواده این کشورها بوده‌اند (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳: ۲۸۰-۲۷۹). بررسی سیر تحولات خانواده در کشورهای مختلف، نشان می‌دهد شدت و ضعف این تحولات در همه جوامع همسان نیست و درجات مختلفی بر آن مترتب است.

اما در ایران به لحاظ تاریخی و اجتماعی، خانواده یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی است. به باور آزاد ارمکی، نهاد خانواده در کنار نهاد دین و دولت از گذشته تاکنون سازنده جامعه ایرانی بوده است و با وجود توسعه نهادی از آغاز قرن بیستم، این سه نهاد همچنان شکل‌دهنده ساختار و روابط اجتماعی ایران هستند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵).

بهنام در توصیف خانواده ایرانی چنین آورده است: زمانی دراز شکلی از خانواده در این سرزمین وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را با اصطلاح کلی «خانواده گسترده» وصف کرده‌اند. خانواده‌ای بود بر اساس شرایع اسلامی و سنت‌های ایرانی. خانواده‌ای که مذهب، سنت و شیوه تولید اقتصادی جوامع کشاورزی مبانی آن را تشکیل می‌داد. این خانواده بر اساس پدرتباری و «پدرمکانی» و اولویت جنس مذکر استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. خانواده واحد تولید و مصرف بود و این امر نه تنها در روستاها بلکه در شهرها نیز که مراکز مهم صنایع دستی بودند، به چشم می‌خورد. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزندآوری و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد. فرزندان نام و نشان از پدر می‌بردند و سرای خانوادگی نسل‌های متعدد را در خود جای می‌داد و پاسدار سنت‌ها بود. مقررات ازدواج، طلاق، ارث، نگهداری فرزندان و مانند آن بر فقه اسلامی استوار بود و روابط افراد خانواده مبتنی بر سلسله‌مراتب موردقبول همه بود. وی معتقد است برخورد با تمدن صنعتی غرب و نتایج آن شامل تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی و دخالت دولت، در چند دهه اخیر موجب تغییرات عمده در این شکل از خانواده، خصوصاً شکل شهری آن، شد و ما شاهد این تحول هستیم (بهنام، ۱۳۴۷: ۷۰).

بررسی وضعیت خانواده ایرانی در سده اخیر نشان می‌دهد متعاقب مواجهه ایرانیان با مدرنیته به‌ویژه از دوران مشروطه به بعد، جامعه ایرانی تحولات بسیاری را تجربه کرده و نهاد خانواده علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد آن، در تطابق خود با تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه با تحولات و چالش‌هایی روبه‌رو شده است. علی‌اکبر مهدی در کتاب در جامعه‌شناسی خانواده ایرانی (۱۳۵۴) به تغییراتی همچون تغییر خانواده از پدرتباری، کاهش عمومیت ازدواج و افزایش منزلت کودکان اشاره دارد. بررسی مطالعات در حوزه خانواده در ایران حکایت از این دارد که خانواده ایرانی حداقل در صد سال اخیر دچار تغییرات زیادی در ساختار و کارکرد شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۲، ۱۳۹۵؛ قانع‌ی‌راد، ۱۳۹۶).

با پیروزی انقلاب اسلامی، خانواده در کانون توجه قرار گرفت و حفظ، استحکام و اعتلای آن از دغدغه‌های اصلی شمرده شد. اهمیت نهاد خانواده و تلاش برای استحکام آن تا جایی بوده است که در اصل دهم قانون اساسی از آن به‌عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان یاد و در ادامه تأکید شده است که همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده،

پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد (اصل دهم قانون اساسی). باین همه مطالعه خانواده در چهل سال گذشته نشان از ادامه تحولات در نهاد خانواده ایرانی دارد. روند کاهش ازدواج، افزایش سن ازدواج به ویژه در دختران، افزایش مجرد قطعی دختران، تغییر تراز ازدواج با طلاق، کاهش بُعد خانوار، رواج تک‌زیستی، کاهش جاذبه فرهنگی ازدواج و افزایش نارضایتی زناشویی، رواج خشونت خانگی، تحول در سبک زندگی اخلاقی به ویژه در اخلاق جنسی، کاهش اقتدار پدر و مادرها در خانواده، افزایش خانوارهای زن سرپرست، افزایش فرار نوجوانان از خانه، کاهش ارتباطات خانوادگی، تغییر در نگرش به ازدواج و فرزندآوری، تغییر در ساختار قدرت در خانواده ایرانی و... همگی نشان از تغییرات ژرف در مناسبات خانوادگی دارد. این تحول به حدی است که برخی جامعه‌شناسان از آن به‌عنوان «تغییرات بنیادین» یاد کرده‌اند (مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۹۳: ۱۰).

بررسی تحولات در خانواده از این منظر ضروری است که تحولات خانواده از یک طرف ریشه در تحول بنیان‌ها و نهادهای چون اقتصاد، سیاست، دین و... دارد و به تعبیر تورن خانواده به‌مثابه «کوره تغییر» تلقی می‌شود (تورن، ۲۰۰۳)؛ زیرا بسیاری از تغییرات اتفاق افتاده در نظام اجتماعی بزرگ‌تر را منعکس می‌کند و از طرف دیگر، پیامدهای تحول در خانواده دامن‌گیر تمامی ارکان جامعه می‌شود.

خانواده ایرانی محل استقرار، حضور و عمل سه نسل متفاوت است، با توجه به تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده ایرانی در چند دهه اخیر، توجه به این تغییرات در میان نسل‌ها اهمیت دارد؛ زیرا آن‌ها به‌طور متفاوتی در معرض تغییرات بوده‌اند و در نتیجه تغییرات اجتماعی را به‌گونه‌ای متفاوت درک، باور و عملیاتی کرده‌اند. درک تفاوت‌های نسلی می‌تواند به شناخت تغییرات رُخ داده در خانواده و همچنین پیش‌بینی پتانسیل موجود برای تغییرات آینده خانواده کمک کند. افزون بر آن، به نظر می‌رسد تحلیل نسلی از تحولات خانواده در ایران می‌تواند درک و فهم بهتری از تحولات در حوزه خانواده ایرانی را در پی داشته باشد. حال سؤال این است که با توجه به مسئله تحولات نسلی در ایران، آیا تغییرات در نسل‌های مختلف خانواده در ایران یکسان است؟

۲. پیشینه تجربی

بررسی‌ها نشان می‌دهد واکاوی تحولات خانواده ایرانی از نگاه تحلیل نسلی، مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. در این نوع مطالعات مسئله اصلی آن است که آیا نسل‌ها می‌تواند توضیح‌دهنده تحولات فرهنگی اجتماعی جامعه ایرانی باشد؟ در ادامه به مرور برخی از پژوهش‌های ارائه‌کننده تحلیل نسلی از تحولات خانواده ایرانی می‌پردازیم.

آزادارمکی، زند و خزاعی (۱۳۸۱) در بررسی تحولات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی که با هدف شناخت میزان و سمت‌وسوی تغییرات خانواده ایرانی طی سه نسل گذشته انجام شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که نگرش‌های افراد در خانواده نسبت به مسائل عمده‌ای چون ازدواج، روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، مهریه و جهیزیه، مراسم عروسی، طلاق و... تغییر کرده است. در عین حال، در میان مردم تهران هنوز خانواده به‌عنوان امر جدی اجتماعی تلقی می‌شود و در جهت حفظ و بقای آن تلاش به عمل می‌آید. در درون خانواده، تفاوت‌ها بر اساس شکل‌گیری و تمایز پذیری نسلی قابل فهم‌تر است.

عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوارها، به بررسی الگوی رفتاری و نگرشی فرزندان (نسل دوم) در مورد ازدواج خویشاوندی و مقایسه با الگوی ازدواج خویشاوندی والدین (نسل اول) پرداخته‌اند که یافته‌های مطالعه ایشان دلالت بر عدم وجود تفاوت بین نسلی در الگوی ازدواج خویشاوندی داشته است.

عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) نیز در بررسی تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد، به نتایجی از جمله تفاوت معنادار در الگوی ازدواج خویشاوندی، توافق نسلی بر سن مناسب ازدواج، تفاوت محسوس بین نسلی در فاصله‌گذاری بین ازدواج و تولد فرزند رسیده‌اند.

سرایبی و او جاقلو (۱۳۹۲) ضمن مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در بین پنج نسل از زنان شهر زنجان (نسل متولدین قبل از سال ۴۲، نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷، نسل متولدین ۵۷ تا ۶۷، نسل متولدین ۶۷ تا ۷۰) به این نتیجه رسیده‌اند که نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در نسل‌های مربوط به پیش از انقلاب، در حد قوی و در نسل انقلاب و جنگ، تا حدی متوسط و در نسل‌های بعد از انقلاب و جنگ که بیشتر از سایر نسل‌ها در معرض تجربه جهانی شدن و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی بوده‌اند، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده و به‌طور کلی ارزش ازدواج پایین است.

در مطالعه قاسمی‌اردهایی و همکاران (۱۳۹۳) تفاوت در ارزش فرزند، تعداد فرزند و ترجیح جنسی فرزند، از جمله نتایج سنجش نگرش زنان متعلق به چهار نسل مختلف زنان (متولدین تا ۱۳۵۰؛ متولدین ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷؛ متولدین ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ و متولدین ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳) در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده در شهر اهر بوده است.

بر اساس نتایج تحقیق ابراهیم‌پور (۱۳۹۴) با عنوان تفاوت ارزش‌های اجتماعی فرزندان با والدین در رابطه با خانواده و ازدواج که بین دانشجویان واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ و والدین آن‌ها انجام شده است، بین نگرش دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد خصوصیات همسر خوب، نحوه انتخاب همسر، سن مناسب برای ازدواج، میزان تفاوت سنی پسر و دختر در زمان ازدواج، معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، میزان اهمیت رضایت والدین برای ازدواج، میزان پذیرش اظهارنظرها و مشورت‌های ارائه‌شده از طرف والدین پس از ازدواج، میزان اهمیت رضایت والدین برای ازدواج، نگرش نسبت به نوع اقتدار در خانواده، میزان اهمیت فرزند در خانواده، تعداد مطلوب فرزندان و میل و رغبت به رفت‌وآمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج تفاوت وجود دارد.

زواره و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات گفتمانی نسل‌های سه‌گانه خانواده ایرانی، به بررسی تحولات خانواده ایرانی در سه نسل؛ نسل اول، کهن‌سال (۵۵ سال و بیشتر)، نسل دوم، میان‌سال (۴۰-۵۴ سال) و نسل سوم، جوان (۲۹-۱۸ سال) پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، نسل اول با والدین خود مشابهت‌های زیادی در ارزش‌ها، باورها، رفتار و اعتقادات دارند و از انتقال آن به فرزندانشان نیز احساس رضایت می‌کنند. البته، در مواردی با نسل دوم اختلاف دارند که چندان جدی نیست؛ ولی با نسل سوم تفاوت‌های محسوسی دارند که در تعامل آن‌ها تأثیر دارد. نسل دوم با والدین خود در بسیاری موارد در حوزه عملی و رفتاری تشابه دارند و مانند آن‌ها عمل می‌کنند، اما در حوزه نظری انتقادهای جدی به والدین

خوددارند؛ از همین رو، تفاوت‌های فرزندان خود را می‌پذیرند و به دلیل محدودیت‌هایی که خود داشته‌اند به آنان حق می‌دهند. از آنجاکه ایشان در باب درستی ارزش‌های مقبول خود تردید دارند، چندان توفیق یا میلی به انتقال آن‌ها به فرزندان‌شان ندارند که این سبب تضعیف نقش تربیتی والدین و ضعف فرهنگ‌پذیری نسل سوم شده است و ارزش‌های سنتی خانواده را تهدید می‌کند. نسل سوم با والدین خود بیشتر در حوزه عملی اختلاف دارند؛ چراکه والدین آن‌ها مخالفت فکری زیادی با رویه‌های نوگرای آن‌ها ندارند و چه بسا خودشان مایل به کاربرد آن‌ها هستند و در ملاحظه و رودربایستی با نسل اول از این کار اجتناب می‌کنند.

مدیری و مهدوی (۱۳۹۶) به بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش دین‌داری پرداخته‌اند. جامعه آماری پژوهش افراد بالاتر از ۱۸ سال شهر تهران بوده است. نتایج تحقیق نشان داد ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در ۹/۱۹ درصد افراد نسل اول محدود به پذیرش سقط‌جنین و لذت فردی بوده است که در نسل دوم به ۱۴/۴۹ درصد و در نسل سوم به ۲۱/۷۱ رسیده و به پذیرش تساهل و تسامح در امور جنسی نیز تسری یافته است. ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر سه نسل متأثر از مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی اجتماعی و دین‌داری بوده و در نسل سوم به‌طور معناداری از مصرف رسانه متأثر شده است. در هر سه نسل اگرچه دین‌داری اثرگذارترین عامل بوده، ولیکن توان تبیین آن از نسل اول به سوم کاهش یافته است.

رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد (۱۳۹۶) در بررسی تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج بین سه گروه افراد جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)، افراد میانسال (۳۰ تا ۵۵ سال) و افراد بزرگسال (۵۶ سال به بالا) ساکن در شهر هشتگرد، به این نتیجه دست یافتند که تفاوت آماری معنی‌داری بین ارزش ازدواج در بین سه نسل یادشده وجود دارد. کمترین نمره ارزش ازدواج را نسل بزرگسال و بیشترین نمره را نسل جوان کسب کرد. بدین معنا که نسل جوان کمتر از نسل بزرگسال به ارزش‌های سنتی تأکید دارد، البته نمره شاخص ارزش ازدواج در هر سه نسل در سطح متوسط قرار دارد. از این‌رو در این مطالعه تضاد نسلی در ارزش‌های ازدواج تأیید نشد، بلکه ترکیبی از ارزش‌های سنتی و مدرن در ازدواج در هر سه نسل مشاهده شد. البته در برخی از ابعاد نسل جوان با نسل‌های بزرگ‌تر تفاوت‌های ارزشی دارد. نکته مهم این است که بیشترین تفاوت نسلی در ارزش‌های ازدواج مربوط به گویه‌های معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و سپس ازدواج با اقوام نزدیک است. بیش از ۸۰ درصد از نسل جوان با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق‌اند، در حالی که در نسل بزرگسال ۱۷ درصد با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق بودند. در واقع، به نظر می‌رسد نسل جوان به ارزش‌های مدرن ازدواج بیشتر متمایل‌اند و به دستیابی به شناخت و آگاهی جوانان در شرف ازدواج تأکید زیادی دارند. خانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقایسه و تحلیل ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان در سنج معتقدند فرزندان در مقایسه با مادران تمایل کمتری به ازدواج خویشاوندی دارند. همچنین تعداد فرزند کمتر و با فاصله‌گذاری بیشتر را ایدئال می‌دانند و ارزش کمتری برای فرزند قائل‌اند.

قنبری‌برزیان و کاویان‌نسب (۱۳۹۸) در بررسی نگرش‌های بین نسلی به کارکردهای ازدواج در بین سه نسل از زنان اصفهانی، چنین نتیجه گرفته‌اند که بین تعلق افراد به نسل‌های گوناگون و نگرش نسبت به کارکردهای ازدواج رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

پژوهش گروسی و یاری نسب (۱۳۹۹) با عنوان تفاوت نسلی نگرش به ارزش های ازدواج که بین دو نسل از زنان شهر یاسوج (مادران و دختران) انجام شده، دلالت بر آن دارد که نگرش به ازدواج و خانواده در نسل دوم بیشتر غیرسنتی است و برعکس این ارزش ها در مادران بیشتر سنتی است.

بگی و حسینی (۱۴۰۰) تفاوت های بین نسلی در حوزه طلاق و تغییرات آن در دو دهه گذشته را با استفاده از داده های پیمایش ارزش های جهانی در سه موج چهارم، پنجم و هفتم بررسی کرده اند. نتایج نشان داد تفاوت های معناداری در نگرش نسل های مختلف به طلاق وجود دارد؛ به طوری که نسل های جوان تر، در همه سنین نگرش مثبت تری به طلاق دارند. نتایج همچنین بیان کننده تغییرات نسلی در نگرش به طلاق است که در طول زمان، همواره در موافقت با طلاق تغییر کرده است و این موضوع بین همه نسل ها صدق می کند. حاجی پورساردویی و حاجی پورساردویی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان تغییر نگرش جنسیتی نسل آینده در راستای دستیابی به صلح پایدار با استفاده از یک پرسشنامه به مطالعه نگرش ۱۷۵۲ دانش آموز پسر پایه ششم و پدران آنها نسبت به نقش ها و کلیشه های جنسیتی مختلف، خشونت علیه زنان و نابرابری جنسیتی در عرصه های مختلف پرداخته اند. نتایج نشان داده که نگرش نوجوانان در حمایت از عقاید، تعصبات و هنجارهای سنتی جنسیتی مردسالار نسبت به پدران خود تغییر کرده است و تمایل بیشتری به برابری جنسیتی، حذف کلیشه های جنسیتی کژکارکرد و تجربه صلح پایدار در سبک جدید زندگی خود دارند.

بررسی تحقیقات پیشین در تحلیل نسلی از تحولات فرهنگی اجتماعی خانواده، نشان می دهد جامعه آماری این پژوهش ها بر مطالعه نسل های مختلف زنان یا بررسی دو نسل والدین و فرزندان متمرکز شده و نسل های مختلف جامعه ایرانی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از طرف دیگر، عمده مطالعات به بررسی تفاوت های نسلی در حوزه ازدواج (الگوی ازدواج و فرزندآوری، معیارهای همسرگزینی، نگرش به ازدواج...) پرداخته اند و سایر ابعاد خانواده مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین جامعه آماری این پژوهش ها عمدتاً در سطح یک شهر بوده و تحقیقاتی در سطح ملی انجام نشده است. افزون بر آن، مطالعات نسلی عمدتاً تفاوت نسلی نسل جوان مجرد با والدین خود را بررسی کرده اند. وجه تمایز این مطالعه، به گستردگی جامعه آماری آن در سطح ملی، بررسی ابعاد مختلف خانواده و متمرکز شدن بر نسل های مختلف خانواده ایرانی (متاهلین) برمی گردد.

۳. چهارچوب مفهومی: نسل های مختلف خانواده ایران

مفهوم نسل به طور گسترده و با رویکردهای متفاوت در حوزه های جمعیت شناسی، روان شناسی اجتماعی، علوم سیاسی و به ویژه جامعه شناسی استفاده شده است. از منظر جمعیت شناسی، نسل به گروهی از افراد اطلاق می شود که مرحله ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک زمان فارغ التحصیل می شوند و گروهی که در زمانی بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده یا ازدواج کرده اند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۰۷). توجه جمعیت شناسان به مفهوم نسل به معنای هم دوره ای بودن، در اشاعه این معنی در میان دیگر رشته های علوم اجتماعی مؤثر بوده است. دانشمندان علوم اجتماعی غالباً اصطلاح نسل را برای معرفی

کسانی به کار می‌برند که تقریباً هم‌زمان زاده شده‌اند؛ چه خویشاوند باشند و چه نباشند. در این معنا کوشش می‌شود رفتار اعضای نسل با توجه به شرایط زمان آن‌ها توضیح داده شود. به همین دلیل است که از نسل بریادرفته نسل بعد از جنگ و مانند آن‌ها سخن گفته می‌شود (گولد و همکاران، ۱۳۷۶: ۸۴۴).

از برخی جهات می‌توان یک نسل را فاصله‌ی میان والدین با فرزندان نشان تعریف کرد. بدین ترتیب، اگر سن بچه‌دار شدن را مثلاً بین بیست تا بیست و پنج سالگی فرض کنیم، آنگاه هر بیست تا بیست و پنج سال یک نسل جدید با به عرصه‌ی حیات می‌گذارد. بسیاری از مردم، در طول عمر خویش شاهد حضور سه نسل هستند: پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، خودشان و فرزندانشان (بالس، ۱۳۸۹).

برخی از نظریه‌پردازان مانند مارک بلاک معتقدند که نسل‌ها را می‌توان بر مبنای مفهوم دهه به سهولت تعریف کرد. حدوداً در هر ده سال، ما از فرهنگ، ارزش‌ها، پسندها، علائق هنری، دیدگاه‌های سیاسی و قهرمان‌های اجتماعی خود تعریفی جدید ارائه می‌کنیم. این مجموعه هر یک دهه، به نحوی بارز دگرگون می‌شود و لذا می‌توان عناصر آن را به نحو معناداری مشخص کرد. به نظر می‌رسد که دهه، تقریباً کوچک‌ترین واحد زمانی است که به‌عنوان شاخص برای تعیین فرهنگ جمعی می‌توان به کار برد. وقتی دهه ۱۹۵۰ را با دهه ۱۹۶۰ مقایسه می‌کنیم، یا وقتی تفاوت‌های فرهنگ‌های دهه ۱۹۴۰ با فرهنگ دهه ۱۹۸۰ را برمی‌شماریم، ظاهراً همه می‌دانیم که این کار به چه معناست؛ اما احتمالاً به‌دشواری می‌توان دریافت که منظور از مقایسه‌ی اوایل دهه ۱۹۵۰ با اواخر آن دهه، یا اوایل دهه ۱۹۸۰ با اواخر آن دهه، دقیقاً چیست. بی‌تردید اگر مثلاً سال ۱۹۵۳ را با سال ۱۹۶۸، یا ۱۹۶۲ را با ۱۹۶۷ مقابله کنیم، آنگاه هر یک از ما برداشت متفاوتی از این کار خواهیم داشت (بالس، ۱۳۸۹).

بالس در مقاله‌ی ذهنیت نسلی (۱۳۸۹) از اُبژه‌های نسلی برای تعریف و تفکیک نسل‌ها استفاده می‌کند. وی معتقد است هر نسلی آن اُبژه‌های نسلی، اشخاص، رویدادها و چیزهایی را برمی‌گزیند که برای هویتش معنایی خاص دارند. اُبژه‌های هر نسلی همچنین به‌طور بالقوه برای نسلی دیگر واجد اهمیت‌اند (مثلاً گروه موسیقی بیتل‌ها را در نظر بگیرید)، اما این اُبژه‌های نسلی معمولاً معنایی متفاوت می‌یابند. سایر اُبژه‌ها، به‌ویژه اُبژه‌های تاریخی، واجد معنایی دقیق‌ترند. من جنگ جهانی دوم را چندان به یاد نمی‌آورم و نسل متولد ۱۹۵۳ هیچ خاطره‌ای از آن ندارد؛ آنان زمانی به دنیا آمدند که این جنگ به پایان رسیده بود. با این‌همه، جنگ جهانی دوم یگانه اُبژه بسیار مهم و مشترک جوانانی است که در زمان رُخ‌دادن آن بیست و چندساله شدند و شخصیتشان شکل گرفت. پس می‌توان گفت اُبژه نسلی عبارت است از شخص، مکان، شیء یا رویدادی که از نظر فرد مبین نسل اوست و به یاد آوردنش احساسی از نسل خود او را در ذهنش زنده می‌کند.

تغییرات زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی خود را در تفاوت میان‌های نسل‌ها بازنمایی می‌کند و نسل‌های مختلف و موقعیت‌ها، رویدادها و وضعیت‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. از این روست که اُبژه‌های نسلی خویش را نیز دارند به‌ویژه رُخدادهای مهم اجتماعی و اقتصادی مانند جنگ، انقلاب و... تفاوت‌های نسلی را تشدید می‌کنند؛ چراکه این رُخدادها کلیت حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه را متأثر می‌سازند و از این رو نسل‌هایی که آن‌ها را تجربه می‌کنند، در نوع نگرش، گرایش و الگوهای پیش و پس خود تفاوت‌های نسلی جدی پیدا می‌کنند. ایران نیز در دهه‌های معاصر رُخدادهای مهمی را تجربه کرده که تجربه‌ی زیسته‌ی متفاوتی را

خانواده ایرانی و تحولات فرهنگی-اجتماعی: تحلیل نسلی

برای نسل‌های مختلف در موضوعاتی چون مدرنیزاسیون، شهری‌شدن، انقلاب، جنگ و... رقم زده است؛ از این رو بخشی از تفاوت‌های نسلی را می‌توان بر اساس این تجربه‌های متفاوت توضیح داد.

جدول شماره ۱: ملاک‌های تفکیک نسلی در نسل‌های مختلف خانواده ایرانی

نسل‌های مختلف خانواده ایرانی			ملاک‌های تفکیک نسلی	
بزرگسال (پدربزرگان و مادربزرگان)	میانسال (والدین)	جوان (فرزندان)	دوره سنی	
متولدین دهه‌های اول و دوم ۱۳۰۰	متولدین دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و ۵۰	متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰	دهه‌های نسلی	
واقعه ۱۵ خرداد	انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی	حوادث دوران سازندگی، اصلاحات و اصول‌گرایی	وقایع مهم تاریخی	
نسل بنیان‌گذاران	نسل انقلاب و جنگ	نسل سوم (بعد از انقلاب)	نسل‌های انقلاب	
پدرسالاری	تضعیف پدرسالاری (مشارکت زنان در امور خانواده)	تضعیف پدرسالاری (مشارکت زنان و فرزندان در امور خانواده)	تجارب جامعه‌پذیری در خانواده	
خانواده محوری	خانواده محوری و الگوی مشارکتی فرد و خانواده	فردمحوری و الگوی مشارکتی فرد و خانواده		
ازدواج در سنین پایین	افزایش میانگین سن ازدواج	بالارفتن میانگین سن ازدواج		
خانواده گسترده	خانواده‌های پُر جمعیت	خانواده هسته‌ای		
روزنامه و رادیو	رادیو و تلویزیون	اینترنت و شبکه‌های اجتماعی		
			رسانه غالب دوران جامعه‌پذیری	

تفاوت میان نسل‌ها، افزون بر تغییرات در زمینه اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند ناشی از دوره سنی نیز باشد. دوره‌های سنی مختلف فرصت‌ها و الزامات ساختاری متفاوتی را رقم می‌زند. کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و... اقتضائات متفاوتی دارند. وضعیت کار، فراغت، بهره‌مندی از فرصت‌ها و یا قرارگیری درون محدودیت‌ها برای دوره‌های سنی متفاوت یکسان نیست و فاصله زیادی ایجاد می‌کند. برای تفکیک نسل‌های مختلف ایرانی از این ملاک‌های مندرج در جدول شماره ۱ استفاده شده است.

۴. روش شناسی

پژوهش حاضر با روش تحلیل ثانویه کمی به تحلیل داده‌های «طرح پیمایش ملی خانواده» می‌پردازد که جهاد دانشگاهی با هدف آگاهی از نظرات افراد واجد شرایط در زمینه مسائل مربوط به خانوار و خانواده در سال ۱۳۹۶ انجام داده است. از آنجاکه داده‌های حاصل از این طرح مسائل مربوط به خانوار و خانواده را شامل می‌گردد، در این پژوهش داده‌های مربوط به بحث ازدواج، نگرش‌های جنسیتی، ساختار قدرت و خشونت خانگی در راستای اهداف تحقیق، مورد تحلیل قرار گرفته است.

این طرح داده‌های خود را با استفاده از پرسشنامه در ۳ جامعه شامل مجموعه شهرهای مرکز استان (۳۱ شهر)، مجموعه سایر شهرهای کشور (به جز ۳۱ شهر مرکز استان) و مجموعه کل شهرهای ایران جمع‌آوری کرده است. جامعه آماری پیمایش نامبرده عبارت بود از: مجموعه افراد ایرانی عضو خانوارهای معمولی ساکن در مناطق شهری کشور که در هنگام مراجعه پرسشگر سن آن‌ها ۱۵ سال و بیشتر بوده و علاوه بر آن در روز مراجعه پرسشگر در محل سکونت خانوار خود حضور داشتند یا به‌طور موقت و به‌عللی مانند کار، تحصیل، خرید مایحتاج روزانه، انجام خدمات روزانه و... در محل سکونت خانواده خود حضور نداشته‌اند، ولی بر اساس اطلاعات ارائه‌شده توسط افراد مطلع خانوار در همان روز و در ساعت مناسب به محل سکونت خانوار خود بازگشته‌اند.

حجم نمونه در پیمایش نامبرده ۵۰۰۰ نفر بود که این تعداد متناسب با تعداد خانوار سال ۱۳۹۰ بین دو سطح جغرافیایی شهرهای مرکز استان (۳۱ شهر) و مجموعه سایر شهرهای کشور توزیع شده است. بر این اساس تعداد ۲۷۶۶ نمونه در شهرهای مرکز استان و ۲۲۳۸ نمونه در مجموعه سایر شهرهای کشور انتخاب شدند. در این پژوهش با توجه به اهداف تحقیق از داده‌های مربوط به افراد متأهل استفاده شده است.

۵. یافته‌ها

۵-۱. مسائل مربوط به ازدواج

۵-۱-۱. نگرش مثبت و منفی به ازدواج

نگرش مثبت و منفی به ازدواج با ۴ گویه مطرح شده است که موافقت یا مخالفت با این گویه‌ها نگرش مثبت و منفی پاسخگویان را نشان می‌دهد.

این چهار گویه عبارت‌اند از: «بدون ازدواج زندگی رضایت‌بخش نیست»، «ازدواج استقلال انسان را تا حد زیادی محدود می‌کند»، «تنها فایده ازدواج رفع نیاز جنسی است» و «ازدواج مانع پیشرفت است». برای تحلیل راحت‌تر، میانگین نمرات بین صفر تا صد پیش‌بینی شده است: صفر رویکرد کاملاً مثبت به ازدواج و صد نگاه کاملاً منفی به ازدواج را بازنمایی می‌کند.

بررسی نسلی نگرش به ازدواج نشان داد در مجموع نسل‌های مختلف خانواده ایرانی نگرش مثبتی به ازدواج دارند و این نگرش مثبت در حد زیاد ارزیابی می‌شود. البته اختلاف اندکی بین نسل‌های مختلف وجود دارد، به طوری که نسل اول بیشترین نگاه مثبت و نسل سوم کمترین نگاه مثبت را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۲: نگرش مثبت و منفی به ازدواج از دیدگاه نسل‌ها

شاخص‌های آماری	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول
تعداد معتبر	۲۰۲۴	۱۱۸۰	۳۱۵
میانگین	۳۴/۶	۳۴/۳	۳۲/۸
انحراف استاندارد	۱۳/۹	۱۳/۷	۱۳/۴۸
مقدار حداقل	۰	۰	۰
مقدار حداکثر	۹۳/۷۵	۸۱/۲۵	۷۵

۲-۱-۵. نگرش سنتی و مدرن به ازدواج

برای سنجش نگرش مدرن و سنتی به ازدواج از ۹ گویه استفاده شده است: «دختران می‌توانند از پسران خواستگاری کنند»، «رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج اشکال ندارد»، «داشتن رابطه جنسی برای مردی که ازدواج نکرده است اشکالی ندارد»، «داشتن رابطه جنسی برای زنی که ازدواج نکرده است اشکالی ندارد»، «زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی) اشکال ندارد»، «در ازدواج زن باید باکره باشد»، «مردان می‌توانند چند همسر داشته باشند»، «ازدواج فامیلی موفق‌تر از ازدواج با غریبه‌هاست» و «ازدواج یک پیوند و تعهد همیشگی و تا آخر عمر است». برای تحلیل راحت‌تر، نمرات میانگین بین صفر تا صد پیش‌بینی شده است: صفر رویکرد کاملاً سنتی به ازدواج و صد نگاه کاملاً مدرن به ازدواج را بازنمایی می‌کند.

بررسی نمرات میانگین نسل‌های مختلف خانواده ایرانی نشان داد که در مجموع نسل‌های مختلف نگاه سنتی به ازدواج دارند. البته بین نسل‌های مختلف در این مورد اندکی اختلاف نظر وجود دارد؛ به طوری که نسل سوم نگاه مدرن‌تری به ازدواج دارد و کمترین نگاه مدرن به ازدواج متعلق به نسل اول است.

جدول شماره ۳: نگرش سنتی و مدرن به ازدواج از دیدگاه نسل‌ها

شاخص‌های آماری	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول
تعداد معتبر	۱۷۳۵	۱۰۵۰	۲۸۷
میانگین	۳۹/۱۸	۳۷/۱۷	۳۴/۷۵
انحراف استاندارد	۱۲/۳	۱۲/۰۸	۱۲/۵۹
مقدار حداقل	۰	۶/۲۵	۶/۲۵
مقدار حداکثر	۸۴	۸۷/۵	۷۵

۳-۱-۵. معیارهای ازدواج

هر فرهنگ، تصویری از همسر مطلوب را در اذهان اعضای یک جامعه می‌پروراند. این تصویرسازی برحسب این‌که در آن فرهنگ چه چیزی مهم است و بسته به کارکردهای ازدواج در آن جامعه متفاوت است. همچنین تعیین این‌که فرهنگ کدام صفات و ویژگی‌ها را برای تصویرسازی مطلوب می‌نمایاند نیز به معنا و مفهوم ازدواج در یک جامعه بستگی دارد. با این حال این تصویرسازی‌ها همیشه ثابت و پابرجا نمی‌مانند و اعضای جدید آن را دست‌کاری و معناهای جدیدی خلق می‌کنند. به همین دلیل معیارهای موردنظر برای انتخاب همسر با توجه به ارزش‌های فرهنگی هر جامعه درباره ازدواج در طول زمان متفاوت است (جبرئیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳).

جدول شماره ۴: معیارهای ازدواج از دیدگاه نسل‌ها

مقدار احتمال	ضریب آماری	کم			زیاد			معیارهای ازدواج
		نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	
۰/۸۶۱	۰/۰۲۳	۰/۲	۰/۳	-	۹۸	۹۹	۹۸	اعتماد
۰/۳۶۷	۰/۰۳۴	۰/۴	۰/۱	-	۹۸	۹۹	۹۸	راست‌گویی
۰/۳۵۵	۰/۰۳۴	۱/۳	۰/۹	۰/۸	۹۴	۹۶	۹۵	عشق
۰/۰۴۱	۰/۰۴۶	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۹۴	۹۴	۹۱	مهربان‌بودن
۰/۰۴۱	۰/۰۴۶	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۹۴	۹۴	۹۱	معاشرتی‌بودن
۰/۳۹۷	۰/۰۳۳	۲/۴	۱/۷	۱/۷	۸۹	۹۱	۹۰	سلامت جسمانی
۰/۰۱۴	۰/۰۵۰	۱۰/۷	۷/۲	۵/۹	۸۱	۸۵	۸۵	عدم استفاده از مشروبات الکلی
۰/۰۵۵	۰/۰۴۵	۱۰/۴	۸/۲	۵/۹	۷۹	۸۱	۸۶	مصرف نکردن سیگار
۰/۰۵۵	۰/۰۴۵	۶/۲	۴/۴	۶/۴	۸۲	۸۱	۷۸	شغل مناسب
۰/۰۲۲	۰/۰۴۹	۹/۵	۸/۱	۵/۵	۷۵	۸۰	۸۲	بکارت زن

۰/۴۹۲	۰/۰۳۱	۵/۳	۳/۹	۴/۸	۷۵	۷۷	۷۷	هم سطح بودن خانواده‌ها
۰/۰۰۰	۰/۰۸۰۱	۱۳/۷	۶/۸	۴/۸	۶۸	۷۶/۵	۷۸/۵	انجام فرایض دینی
۰/۰۱۵	۰/۰۵۰	۱۰	۹/۹	۱۳/۴	۶۵	۶۲	۶۲/۵	درآمد بالا
۰/۱۱۸	۰/۰۴۱	۸/۹	۱۰/۷	۱۲/۵	۵۳	۵۵	۵۳	زیبایی و آراستگی
۰/۳۷۴	۰/۰۳۳	۱۸/۲	۱۹/۹	۲۲	۶۰/۵	۶۱	۵۵	قومیت یکسان
۰/۱۵۲	۰/۰۴۰	۲۲/۲	۲۰/۴	۱۹	۵۰	۴۷	۵۰	اختلاف سنی کم
۰/۱۷۶	۰/۰۳۹	۲۲/۶	۲۴	۲۹/۶	۴۰	۴۲	۳۸/۵	تحصیلات بالا
۰/۰۱۲	۰/۰۵۱	۳۲	۳۷	۳۶/۵	۲۸	۲۶	۲۷	ثروتمندی بودن خانواده همسر
۰/۰۰۵	۰/۰۵۴	۴۸	۴۲	۴۱/۵	۲۴	۳۰	۳۱	فامیل بودن همسر

بررسی دیدگاه سه نسل خانواده ایرانی در مورد معیارهای همسرگزینی نشان داد بیش از ۹۰ درصد هر سه نسل معتقدند معیارهایی چون اعتماد، راست‌گویی، عشق، مهربان بودن، معاشرتی بودن و سلامت جسمانی از اهمیت زیادی است. بررسی معیارهای ازدواج در بین نسل‌های مختلف خانواده ایرانی نشان داد نسل جدیدتر خانواده توجه بیشتری به معیارهای مدرن دارد (بررسی میزان موافقت و مخالفت نسل‌های مختلف با معیارهای انتخاب همسر، نشان می‌دهد نسل سوم بیشتر موافقت خود را با معیارهای مدرن انتخاب همسر اعلام نموده است. نسل سوم مخالفت خود را با معیارهایی چون عدم استفاده از مشروبات الکلی، بکارت زن و مصرف نکردن سیگار اعلام کرده است).

همچنین در بین نسل‌های مختلف خانواده ایرانی اختلاف قابل توجهی در مورد اهمیت معیارهای دینی در انتخاب همسر از جمله معیار انجام فرایض دینی وجود دارد. ۷۸/۵ نسل اول، ۷۶/۵ درصد نسل دوم و ۶۸ درصد نسل سوم میزان اهمیت این معیار را زیاد (زیاد و خیلی زیاد) ارزیابی کرده‌اند. از طرف دیگر هرچه از نسل اول به سوی نسل سوم حرکت می‌کنیم، بر میزان مخالفت با این معیار افزوده می‌شود. ۴/۸ درصد نسل اول، ۸/۶ درصد نسل دوم و ۱۳/۷ درصد نسل سوم میزان اهمیت این معیار را کم (کم و خیلی کم) ارزیابی کرده‌اند.

۴-۱-۵. تصمیم‌گیرنده اصلی در ازدواج

یکی از تغییرات نهاد خانواده ایرانی، انتخابی شدن ازدواج است. در گذشته تصمیم‌گیرنده اصلی برای ازدواج خانواده بوده است و به‌ویژه زنان اراده و اختیاری در ازدواج و انتخاب همسر نداشته‌اند.

بررسی داده‌ها نشان داد بیشترین میزان ازدواج فردی در نسل سوم بوده است، اما الگوی تصمیم‌گیری فردی و خانواده‌محور همچنان الگوی غالب است؛ به طوری که ۴۲ درصد ازدواج‌ها در این نسل بر اساس این الگو انجام شده است. الگوی غالب ازدواج در نسل دوم الگوی انتخاب خانواده است و با اختلاف کمی الگوی مشارکتی (خود و خانواده) در ردیف بعدی است. در نسل اول، انتخاب خانواده الگوی غالب ازدواج‌ها بوده است و الگوهای مشارکت «فرد و خانواده» و انتخاب فردی با اختلاف زیادی در ردیف بعدی قرار دارند.

جدول شماره ۵: تصمیم گیرنده اصلی در ازدواج از دیدگاه نسل‌ها

تصمیم گیرنده اصلی در ازدواج			گروه‌های نسلی
خود و خانواده	خانواده	خودم	
۲۷/۴	۴۶/۱	۲۶/۵	نسل اول
۳۶	۳۷	۲۸	نسل دوم
۴۱/۶	۲۰/۴	۳۸	نسل سوم

۲-۵. نگرش‌های جنسیتی

نگرش جنسیتی، نتیجه جامعه‌پذیری جنسیتی است و ارتباط تنگاتنگی با ساختارهای فرهنگی اجتماعی جوامع دارد. مطالعات نشان می‌دهد نهادینه‌کردن و آموختن اعتقادات و باورهای رایج در مورد جنسیت از طریق فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد. بدین ترتیب طی فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی، مردان و زنان ضمن آشنایی با ارزش‌ها و هنجارهای مسلط جامعه در زمینه رفتارهای مقبول و موردانتظار برای هر جنس، از طریق نظام نظارت اجتماعی به هم‌نوایی و سازگاری با این ارزش‌ها و هنجارها وادار یا ترغیب می‌گردند. بر این اساس جامعه رفتارهای معینی را برای مردان و زنان تجویز، تصدیق و تبلیغ می‌کند و از آن‌ها انتظار دارد به هنجارها و الگوهای رفتاری مناسب با جنس خود عمل نمایند (ریاحی، ۱۳۸۶: ۵۰).

تطور نگرش به این مقوله در حکم شاخصه‌ای برای بیان تحولات نگرشی است که پیوند دقیقی با تحقق دگرگونی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دارد. بی‌تردید چگونگی نگرش و طرز تلقی نسبت به زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه، تمامی کنش‌ها، فرایندها و ساختارهای اجتماعی را در سطح خرد، میانی و کلان تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه نحوه نگرش به زن و در معنای عمومی‌تر آن مقوله جنسیت، می‌تواند بیانگر چگونگی وضعیت دیگر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز باشد (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۱: ۸).

جامعه ایرانی در سده اخیر تحولات بسیاری را در حوزه خانواده تجربه کرده که تحول در نگرش‌های جنسیتی یکی از آن‌هاست. با توجه به این‌که تغییرات نگرشی و ارزشی به‌صورت تدریجی و آرام اتفاق می‌افتد، تجربه‌های متفاوت نسلی شکل می‌گیرد و تفاوت در شرایط در این حوزه می‌تواند نگرش‌های جنسیتی متفاوت نسلی را شکل دهد. از این‌رو در این قسمت به نگرش‌های جنسیتی نسل‌های مختلف خانواده ایرانی پرداخته می‌شود. نگرش‌های جنسیتی باورهایی در مورد رفتارها و مسئولیت‌های ایدئال برای مردان و زنان است؛ این‌که یک فرد چه رفتاری را به‌عنوان رفتار مناسب، مورد انتظار و مطلوب برای زنان و مردان تصور می‌کند.

در پژوهش حاضر شاخص نگرش‌های جنسیتی با استفاده از ۹ گویه از سوالات پرسشنامه «پیمایش ملی خانواده» سنجش شده است: «مردی که همسرش کار تمام‌وقت انجام می‌دهد، باید به‌اندازه همسرش در

انجام کارهای خانه وقت بگذارد»، «نان‌آور خانه باید حتماً مرد باشد»، «در خانه حرف اول و آخر را باید مرد بزند»، «بعضی‌ها معتقدند زنان نیز باید مثل مردان حق طلاق داشته باشند، شما با این موافقید یا مخالف؟»، «برخی معتقدند زنان هم باید مثل مردان در تأمین مخارج خانواده سهیم باشند، شما با این نظر موافقید یا مخالف»، «تا چه اندازه با کار زنان در بیرون از خانه موافق یا مخالفید»، «زنان در تصمیم‌گیری‌های خود احساساتی عمل می‌کنند، بنابراین نمی‌توانند به خوبی مردان تصمیم بگیرند»، «مردان رئیس خانواده هستند و زنان در تصمیم‌گیری‌ها باید از آن‌ها تبعیت کنند» و «زنان برای مدیریت امور داخلی خانه و مردان برای مدیریت امور اقتصادی و مسائل بیرون از خانه مناسب هستند». نمرات شاخص نگرش‌های جنسیتی بین ۰ تا ۱۰۰ بود که نمره کمتر نگرش جنسیتی، تساوی طلب و مدرن و نمره بیشتر نگرش جنسیتی، مردسالار و سنتی را در برمی‌گرفت.

بررسی نگرش جنسیتی نسل‌های مختلف خانواده ایرانی نشان داد این نگرش در بین نسل‌های مختلف تقریباً در میانه سنت و مدرن قرار دارد، ولی میزان نوگرایی نسل سوم بیشتر از دو نسل دیگر گزارش شده و بیشترین گرایش به نگرش سنتی در نسل اول بوده است. میانگین گرایش جنسیتی در نسل اول ۵۲/۱ درصد، در نسل دوم ۴۸/۳۵ درصد و در نسل سوم ۴۶/۴ درصد گزارش شده است.

جدول شماره ۶: نگرش جنسیتی از دیدگاه نسل‌ها

شاخص‌های آماری	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول
تعداد معتبر	۲۰۱۱	۱۱۱۷	۲۴۴
میانگین	۴۶/۴	۴۸/۳۵	۵۲/۱
انحراف استاندارد	۱۷/۸۵	۱۷/۷۵	۱۷/۸
کمترین	۶/۵	۲/۷۸	۵/۶
بیشترین	۹۱/۶	۹۳/۰۵	۹۴

۳-۵. خشونت خانگی

خشونت خانگی رفتاری است که در محیط خلوت و خصوصی خانواده به وقوع می‌پیوندد. در دنیای امروز، خشونت خانگی واقعیتی غیرقابل انکار است، خشونت‌هایی که مخصوص جامعه یا طبقه خاصی نیست و در همه کشورهای دنیا و طبقات اجتماعی مختلف می‌توان آن را یافت. خشونت خانوادگی عموماً بین افرادی است که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به هم پیوند خورده‌اند. این خشونت‌ها را بیشتر، مردان نسبت به زندان روا داشته‌اند (آقایگلوبی و آقاخانی، ۱۳۷۹: ۷۹-۷۸) و به انواع مختلفی از جمله خشونت فیزیکی، جنسی، روانی و اقتصادی طبقه‌بندی می‌شوند.

در این بخش بُعد «خشونت خانگی» در «پیمایش ملی خانواده» شامل خشونت‌های روانی، جسمی، جنسی، اقتصادی و کلامی مورد سنجش قرار گرفته است:

- خشونت روانی (شک و تردید، فریادزدن، کنترل مداوم، بی‌توجهی به همسر، تهدید به ارتباط جنسی با فرد دیگر)؛
- خشونت جسمی (کتک‌زدن، پرتاب اشیاء، تهدید با چاقو یا وسایل دیگر، هل دادن)؛
- خشونت جنسی (رابطه جنسی بدون رضایت، قطع رابطه جنسی، رفتار جنسی غیرمتعارف بدون رضایت، اجبار به رابطه جنسی حین عادت ماهیانه)؛
- خشونت اقتصادی (کنترل دائمی مخارج، پنهان کردن میزان درآمد)؛
- خشونت کلامی (فحش و ناسزا، توهین به نزدیکان، تحقیرکردن).

بررسی وضعیت انواع خشونت در بین نسل‌های مختلف نشان داد بیشترین خشونت اعمال شده در خانواده‌های ایرانی، خشونت روانی است. خشونت اقتصادی در ردیف بعدی قرار دارد و خشونت کلامی با میانگین ۹/۹۶، ۷/۸۱ و ۷ درصد در بین نسل‌های سوم، دوم و اول در ردیف بعدی میزان خشونت قرار گرفته است. خشونت فیزیکی و خشونت جنسی در ردیف‌های بعدی قرار دارند. بر پایه داده‌های جدول شماره ۷، بیشترین میزان خشونت در بین نسل سوم گزارش شده است.

جدول شماره ۷: انواع خشونت در خانواده از دیدگاه نسل‌ها

انواع خشونت	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول
خشونت روانی	۱۷/۵	۱۲/۴	۹/۸
خشونت اقتصادی	۱۳/۱	۱۰/۱۵	۸/۳
خشونت کلامی	۹/۹۶	۷/۸۱	۷
خشونت فیزیکی	۷/۱	۴/۴	۴/۶
خشونت جنسی	۶/۹۵	۴/۵	۴/۲
خشونت کل	۱۰/۸۱	۸/۲	۶/۴

۴-۵. ساختار قدرت در خانواده ایرانی

از جمله تحولات قابل توجه در نهاد خانواده در دوران معاصر، وقوع تغییرات در الگوی سنتی توزیع قدرت در خانواده است. نظر به این که قدرت در نهاد خانواده از ارکان اساسی و تعیین کننده چگونگی روابط در آن و توضیح دهنده بسیاری از وقایعی است که در عرصه خانواده رخ می‌دهد، بنابراین شناسایی چگونگی توزیع قدرت در خانواده‌ها و نگرش‌های مبتنی بر آن‌ها می‌تواند روشنگر بسیاری از مسائل اجتماعی باشد. از طرف

دیگر، بررسی نسلی ساختار قدرت در خانواده امکان فهم بهتر تحولات در این زمینه را فراهم می‌سازد. ساختار قدرت در خانواده از چهار زاویه قابل بررسی است: حوزه اعمال قدرت زوجین در تصمیم‌گیری امور خانواده، حدود اختیار و آزادی عمل در امور خانوادگی، شیوه اعمال قدرت و ساخت قدرت در خانواده.

۱-۴-۵. اعمال قدرت زوجین در تصمیم‌گیری در خانواده

یکی از موضوعات نشان‌دهنده وضعیت قدرت افراد در خانواده، چگونگی و میزان مشارکت همسران در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با موضوعات مهم خانواده است. در این مطالعه، موضوعات مهم تصمیم‌گیری و موقعیت افراد در آن‌ها در ۹ موضوع فراغتی، اقتصادی، اشتغال و مباحث مرتبط با فرزندان بررسی شده است. بدین منظور نقش پاسخگویان و یا همسرشان در تصمیم‌گیری درباره مهم‌ترین امور مربوط به زندگی خانوادگی مورد پرسش قرار گرفته است. بیشترین میزان تصمیم‌گیری فردی در امور خانواده در نسل اول با ۱۰/۶ درصد و در ردیف بعد نسل جوان با ۹/۸ و در آخر نسل میانسال با ۸/۱۵ درصد قرار دارد. بیشترین میزان تصمیم‌گیری توسط همسر در نسل میانسال گزارش شده است (۱۸ درصد نسل میانسال و ۱۶/۱ درصد نسل جوان تصمیم‌گیرنده نهایی را همسر عنوان کرده‌اند). کمترین میزان تصمیم‌گیری توسط همسر پاسخگو در نسل بزرگسال گزارش شده است. بیشترین میزان تصمیم‌گیری مشترک در خانواده از سوی نسل بزرگسال گزارش شده است و نسل جوان با ۷۴/۱ درصد در ردیف بعدی قرار دارد.

جدول شماره ۸: تصمیم‌گیرنده نهایی در خانواده از دیدگاه نسل‌ها

نسل‌ها	تصمیم‌گیرنده نهایی		
	پاسخگو	همسر پاسخگو	به‌طور مشترک
نسل جوان	۹/۸۶	۱۶/۱	۷۴/۰۶
نسل میانسال	۸/۱۵	۱۸	۷۳/۸۵
نسل بزرگسال	۱۰/۶	۹/۵	۷۹/۹

۲-۴-۵. حدود اختیار و آزادی عمل در امور خانوادگی

مورد بعدی بررسی شده در مورد ساختار قدرت در خانواده، حوزه اعمال قدرت یا حدود اختیار و آزادی عمل پاسخگویان است. برای این منظور، حدود آزادی عمل و اختیار فرد در ۹ حوزه شامل رفتن به منزل والدین، خرج کردن برای والدین، شرکت در مهمانی‌های خانوادگی به‌تنهایی، اشتغال، ادامه تحصیل، رفتن به منزل دوستان، بیرون رفتن با دوستان به‌طور مجردی، بازگشت به منزل دیرتر از زمان همیشگی و مسافرت خارج از شهر به‌تنهایی بررسی شده است. بررسی حوزه آزادی عمل زوجین در بین نسل‌های مختلف نشان داد بیشترین آزادی عمل در نسل بزرگسال گزارش شده است (میانگین ۳/۶ از ۵). این میزان در نسل‌های میانسال و جوان به ترتیب ۳/۵ و ۳/۳ گزارش شده است.

جدول شماره ۹: حدود اختیار و آزادی عمل در امور خانوادگی از دیدگاه نسل‌ها

شاخص‌های آماری	نسل بزرگسال	نسل میانسال	نسل جوان
تعداد معتبر	۲۵۳	۱۱۶۸	۲۰۴۳
میانگین	۳/۰۳	۳/۲۷	۳/۱
انحراف استاندارد	۰/۸۶	۱/۲۳	۰/۹۲

۳-۴-۵. شیوه اعمال قدرت در خانواده

این بُعد از قدرت، مشخص‌کننده جو غالب خانواده است و عنصر مهم و اثرگذاری در نهاد خانواده به شمار می‌رود. در واقع شیوه اعمال قدرت نوعی رابطه یا به صورت دقیق‌تر صفت رابطه‌ای است که در تعاملات قدرت جریان پیدا می‌کند. در صورت وجود انعطاف، سیالیت و پذیرش در اعمال قدرت بین زوجین، قدرت از حالت فشار و تحمیل برای نیل به اهداف به سمت اقتدار یعنی قدرت مقبول و مشروع درمی‌آید.

برای درک این وضعیت، از دو شیوه کلی اعمال قدرت نام برده شده است: یکی شیوه مجاب‌سازی و دیگری شیوه مجبورسازی. در شیوه مجاب‌سازی، رابطه قدرت در درون خانواده بر اقناع و اجماع متکی است و انتظار می‌رود با هزینه‌های روانی کمتری همراه باشد. اقناع حاصل از این شیوه ممکن در فرایندی کاملاً دموکراتیک حاصل شود، یعنی از طریق مفاهمه کامل بین زوجین و یا مبتنی بر نوعی پذیرش و رضایت برآمده از ایثار و دگر خواهی باشد که معمولاً از سمت زنان دنبال می‌شود تا از هزینه‌های بعدی در روابط بکاهند. در مقابل، در شیوه اجبار، رسیدن به اهداف از طریق کاربست مستقیم ابزارهای خشن اعم از خشونت فیزیکی و خشونت احساسی، عاطفی و یا جنسی پیگیری می‌شود. انتظار می‌رود به دنبال این شیوه از اعمال قدرت، خانواده به عرصه‌ای سرد و خشن تبدیل شود که احتمال پرخاشگری و خشونت زوجین در آن بالاست و احتمال فروپاشی خانواده نیز افزایش می‌یابد (مالمیر، ابراهیمی، ۱۳۹۹).

برای بررسی شیوه اعمال قدرت در خانواده، از گویه‌های زیر استفاده شده است:

«من و همسر من همیشه با گفتگو به تفاهم می‌رسیم»؛

«برای رسیدن به خواسته‌هایم، سعی می‌کنم کارهای دلخواه همسر من را انجام دهم»؛

«اگر با گفتگو نتوانیم به تفاهم برسیم، از خشونت و دعوا برای رسیدن به خواسته‌هایم استفاده می‌کنم»؛

«وقتی همسر من با خواسته‌های من مخالفت می‌کند چاره‌ای جز تسلیم ندارم»؛

«اگر همسر من با خواسته یا تصمیم من مخالفت کند، با قطع رابطه هم‌بستری سعی می‌کنم نظر او را تغییر

دهم»؛

بررسی نسلی شیوه‌های اعمال قدرت در خانواده نشان داد که در هر سه نسل شیوه اعمال قدرت در خانواده

به طرف شیوه‌های مجاب‌سازی متمایل شده است و تفاوت معناداری بین میانگین نسلی وجود ندارد.

جدول شماره ۱۰: شیوه اعمال قدرت در خانواده از دیدگاه نسل‌ها

شاخص‌های آماری	نسل بزرگسال	نسل میانسال	نسل جوان
تعداد معتبر	۲۵۳	۱۱۷۶	۲۰۵۸
میانگین	۳/۰۳	۳/۱۳	۳
انحراف استاندارد	۰/۸۶	۰/۹۳	۰/۹۲

۴-۵. ساختار قدرت در خانواده (مقارن و نامتقارن بودن ساخت قدرت در خانواده)

در یک دسته‌بندی کلی دو نوع ساخت قدرت مقارن و نامتقارن در خانواده شناسایی می‌شود و ساخت نامتقارن خود متشکل از دو نوع ویژه است. در ساخت قدرت مقارن، بین زن و شوهر الگویی از رابطه متوازن و مشارکت‌جویانه در تصمیم‌گیری از طریق گفت‌وگو وجود دارد که نتیجه آن شکلی از خانواده با عنوان خانواده مدنی است.

در این الگو موقعیت زن و شوهر از نظر برخورداری از قدرت کم‌وبیش مقارن است و زوجین ضمن پذیرش این وضعیت آن را به‌عنوان یک الگوی مطلوب ارزیابی می‌کنند، اما آنچه بیشتر در عمل خود را نشان داده، گونه‌ی مقابل است که نشان از نبود تقارن در قدرت درون خانواده دارد. مطابق ساخت دوم، قدرت هم نامتقارن است و هم در وضعی خاص در دست یک طرف (معمولاً مرد خانواده) متمرکز شده است. این نبود توازن و تراکم قدرت موجب شکل‌گیری گونه‌ی خاصی از خانواده شده است که نه‌تنها قدرت طرف مقابل مقبولیتی ندارد، بلکه نوعی جبر و اجبار در پذیرش آن دیده می‌شود. در نوع دیگری از همین دسته، علی‌رغم نبود تقارن در قدرت، این ناقربندی پذیرفته شده است.

این مقیاس با ۷ گویه سنجش شده است که وضعیت متعادل رابطه قدرت تا وضعیت کاملاً غیرمقارن را اندازه می‌گیرد: «اگر همسر قصد انجام کاری را داشته باشد، در اکثر مواقع با من مشورت می‌کند»، «روی هم‌رفته در خانواده حرف آخر را همسر می‌زند»، «در خانواده زن و مرد باید به‌طور مشترک با یکدیگر تصمیم بگیرند»، «زنان در تصمیم‌گیری‌های خود احساساتی عمل می‌کنند، بنابراین نمی‌توانند به‌خوبی مردان تصمیم بگیرند»، «مردان رئیس خانواده هستند و زنان در تصمیم‌گیری‌ها باید از آن‌ها تبعیت کنند»، «زنان برای مدیریت امور داخلی خانه و مردان برای مدیریت امور اقتصادی و مسائل بیرون از خانه مناسب هستند» و «در بیشتر امور منزل باید از همسر اجازه بگیرم».

بررسی شاخص تقارن رابطه در ساختار قدرت در بین نسل‌های مختلف نشان داد که شاخص میل به طرف تقارن در رابطه دارد. میانگین نمره نسل‌های مختلف حدود ۳ از ۵ است. نمره ۱ نشان‌دهنده نامتقارن بودن رابطه و نمره ۵ نشان‌دهنده تقارن در رابطه است. بررسی نمرات نسل‌های مختلف نشان داد نسل‌های جدید خانواده ایرانی گرایش بیشتری به خانواده مدنی دارند و برعکس گرایش به عدم تقارن در نسل‌های بزرگسال خانواده ایرانی نمود بیشتری دارد.

جدول شماره ۱۱: ساختار قدرت در خانواده از دیدگاه نسل‌ها

شاخص‌های آماری	نسل بزرگسال	نسل میانسال	نسل جوان
تعداد معتبر	۲۵۸	۱۱۷۸	۲۹۵۶
میانگین	۲/۸۰	۲/۸۳	۲/۹۴
انحراف استاندارد	۰/۸۷	۲/۹۶	۰/۹۸

۶. بحث و نتیجه‌گیری

جایگاه بی‌بدیل خانواده در جامعه ایرانی باعث شده است خانواده مورد توجه جدی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار گیرد. از طرف دیگر بررسی پیمایش‌های ملی نشان از اهمیت و جایگاه والای خانواده نزد ایرانیان دارد. در «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» (موج اول، ۱۳۸۰)، ۹۷/۵ درصد پاسخگویان اهمیت خانواده را زیاد و تنها ۰/۶ درصد آن‌ها اهمیت خانواده را کم ارزیابی کرده‌اند. بررسی نسلی این موضوع نشان از این دارد که نسل‌های مختلف ایرانی درک و ارزیابی مشابهی از میزان اهمیت و جایگاه خانواده دارند؛ به طوری که ۹۷/۳ درصد افراد ۲۹-۱۵ سال، ۹۷/۸ درصد افراد ۴۹-۳۰ سال و ۹۷/۴ درصد افراد ۵۰ سال و بالاتر در پیمایش مذکور میزان اهمیت خانواده را زیاد ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که در پیمایش مذکور ۹۲/۵ درصد ایرانیان میزان اهمیت دین و مذهب را زیاد ارزیابی کرده‌اند. بررسی این آمارها و آمارهای مشابه نشان از اهمیت و جایگاه والای خانواده در نزد ایرانیان دارد. از طرف دیگر خانواده ایرانی در صد سال اخیر دچار تغییرات زیادی شده به گونه‌ای که از فروپاشی خانواده در ایران سخن به میان آمده است.

در این پژوهش با تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) در چهار حوزه ازدواج، نگرش‌های جنسیتی، ساختار قدرت و خشونت خانگی، تلاش شد تحلیل نسلی از این موضوعات ارائه شود. در جدول شماره ۱۲ خلاصه‌ای از تحولات به تفکیک نسل‌های مختلف خانواده ایرانی آمده است.

دگرگونی خانواده ایرانی در نیم‌قرن اخیر آرام و کند، اما مستمر و قاطع بوده است. در حال حاضر حداقل سه نسل از خانواده ایرانی با تجارب متفاوت جامعه‌پذیری در کنار هم زندگی می‌کنند و درک و نگرش متفاوتی نسبت به تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی پدیدآمده در حوزه خانواده ایرانی دارند که به نوبه خود در بسیاری از الگوهای رفتاری و ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه تأثیرگذار است.

در مجموع گزاره‌های زیر را می‌توان نتیجه‌گیری این مطالعه تلقی کرد:

۱. نسل‌های مختلف خانواده ایرانی نگاهی مثبت به ازدواج دارند و از این نظر اختلاف چندانی بین نسل‌های خانواده ایرانی وجود ندارد، اگرچه نگاه منفی در نسل سوم خانواده ایرانی بیشتر گزارش شده است.

جدول شماره ۱۲: تحلیل نسلی از تحولات

نسل های خانواده ایرانی			مسائل مربوط به ازدواج
سوم	دوم	اول	
نگرش مثبت (افزایش نگرش منفی)	نگرش مثبت	نگرش مثبت	نگرش مثبت و منفی به ازدواج
به طرف نگرش مدرن	در میانه سنت و مدرن	نگرش سنتی	نگرش سنتی و مدرن به ازدواج
کاهش گرایش به معیارهای سنتی و تمایل به معیارهای مدرن	گرایش به طرف معیارهای سنتی	گرایش به طرف معیارهای سنتی	معیارهای ازدواج
افزایش الگوی فردمحور	افزایش نقش افراد در ازدواج	غلبه الگوی خانواده محور	تصمیم گیرنده اصلی در ازدواج
افزایش نگرش های مدرن	در میانه سنت و مدرن	غلبه نگرش سنتی جنسیتی	نگرش جنسیتی
افزایش خشونت خانگی	تمایل به طرف روش های مسالمت جویانه	کمترین میزان خشونت خانگی	خشونت خانگی
تمایل به طرف خانواده مدنی	میانه خانواده پدرسالار و خانواده مدنی	گرایش به طرف خانواده پدرسالار	ساختار قدرت

۲. نسل های مختلف خانواده ایرانی نگرش سنتی به ازدواج دارند و نگرش مدرن به ازدواج در میان نسل سوم در حال رشد است. گرایش مدرن به ازدواج در مواردی چون مخالفت بیشتر نسل سوم با شرط باکره بودن زن در هنگام ازدواج، موافقت بیشتر با بلااشکال بودن رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج، موافقت بیشتر با بلااشکال بودن رابطه جنسی برای دختران و پسران ازدواج نکرده و موافقت بیشتر نسل سوم با زندگی با دختر و پسر بدون ازدواج رسمی، نشان از رشد گرایش های مدرن به ازدواج در این نسل دارد. گروسی و یاری طلب (۱۳۹۹) نیز بر نگرش سنتی مادران به ازدواج و نگرش غیر سنتی دختران تأکید کرده اند. موضوع از این منظر قابل توجه است که موارد پیش گفته با هنجارها و ارزش های جامعه ایرانی سازگاری ندارد و بدین ترتیب با چالش ها و تضادهای در سطح نسل های مختلف روبه رو خواهیم بود.

۳. در مورد معیارهای ازدواج و همسرگزینی شاهد رشد گرایش های مدرن در بین نسل های مختلف هستیم. در حالی که تقریباً ۹۵ درصد نسل های خانواده ایرانی با عشق به عنوان معیار همسرگزینی موافقت زیاد کرده اند و از این نظر اختلافی بین نسل ها نیست، در مورد معیار انجام فرایض دینی به عنوان معیار

همسرگزینی موافقت زیاد با این معیار بین ۶۸ تا ۷۸ درصد گزارش شده است و کمترین میزان موافقت (۶۸ درصد) در بین نسل سوم گزارش شده است.

۴. خانواده‌محوری به‌عنوان الگوی همسرگزینی نیز دچار تحولات زیادی شده است و الگوی سنتی ازدواج از خانواده‌محوری به فردمحوری در حال تحول است. تحلیل نسلی الگوی ازدواج، افزایش فردگرایی در ازدواج را نشان داد؛ به طوری که تصمیم‌گیری فردی در ازدواج از ۲۶/۵ درصد در نسل اول به ۳۸ درصد در نسل سوم رسیده است. از طرف دیگر در نسل سوم شاهد کاهش الگوی خانواده‌محوری در امر ازدواج هستیم؛ در حالی که ۶۱/۴ درصد نسل اول با الگوی خانواده‌محوری ازدواج کرده‌اند، این میزان در نسل سوم به ۲۰/۴ درصد کاهش یافته است. در کل می‌توان گفت جامعه ایرانی شاهد رشد دو جریان موازی در مورد الگوی همسرگزینی است: از یک طرف شاهد رشد فردگرایی در نسل سوم و از طرف دیگر شاهد رشد الگوی مشارکت فرد و خانواده هستیم. در حالی که ۲۷/۴ درصد نسل اول با این الگو ازدواج کرده‌اند، این میزان در نسل سوم به ۴۱/۶ درصد رسیده است.

بررسی نتایج این مطالعه با مطالعات پیشین در حوزه نسل‌ها و ازدواج نشان از تطابق نتایج دارد: گروسی و یاری‌نسب (۱۳۹۹)، رازقی‌نصرآبادی و فلاح (۱۳۹۶)، ابراهیم‌پور (۱۳۹۳) و قنبری برزیان (۱۳۹۸). در بیشتر آن مطالعات نیز بر تفاوت‌های نسلی در حوزه ازدواج تأکید شده است و نتایج پژوهش‌ها با وجود اختلافات و مغایرت‌هایی که در نتایج با یکدیگر دارند، حاکی از آن است که نسل جدید بیشتر با ارزش‌های مدرن در حوزه ازدواج موافقت دارد.

۵. خانواده ایرانی با رشد خشونت خانگی (به‌ویژه خشونت روانی و خشونت اقتصادی) روبه‌روست. خشونت روانی (شک و تردید، فریادزدن، کنترل مداوم، بی‌توجهی به همسر، تهدید به ارتباط جنسی با فرد دیگر) از بیشترین فراوانی در میان نسل‌های مختلف خانواده ایرانی برخوردار است. بیشترین نرخ خشونت روانی در میان نسل سوم گزارش شده است.

۶. خانواده ایرانی در میانه الگوی پدرسالاری و الگوی تساوی طلبانه قرار دارد. البته الگوی خانواده مدنی (تساوی طلبانه) در میان نسل سوم از رشد بیشتری برخوردار است.

منابع

- ابراهیم‌پور، داود (۱۳۹۳). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ نسبت به تفاوت ارزش‌های اجتماعی آنان با والدین در رابطه با خانواده و ازدواج. مطالعات جامعه‌شناختی، ۷(۲۵)، ۹۵-۱۱۴.
- آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز و خزایی، طاهره (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی. نامه علوم اجتماعی، ۸(۱۶)، ۲۹-۳۰.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳). خانواده ایرانی. تهران: علم.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۵). تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی. تهران: تیسرا.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۵). ذهنیت بین نسلی دیدگاهی روانکاوانه درباره اختلاف نسل‌ها. ارغنون، ۳۸(۳)، ۱-۳۰.
- بگی، میلاد و حسینی، حاتم (۱۴۰۰). تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد الگوی چندسطحی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۳)، ۴۴-۲۳.

- بهنام، جمشید (۱۳۴۷). جامعه‌شناسی: نظری به انواع خانواده در ایران. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق) (۱)، ۷۷-۷۰.
- حاجی‌پورساردویی، سیمین و حاجی‌پورساردویی، مرضیه (۱۴۰۱). تغییر نگرش جنسیتی نسل آینده در راستای دستیابی به صلح پایدار. سیاست کاربردی، ۴(۱)، ۹۰-۷۱.
- جنادله، علی و رهنما، مریم (۱۳۹۳). دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی). خانواده پژوهی، ۱۰(۳۹)، ۲۹۶-۲۷۷.
- خانی، سعید؛ محمدزاده، حسین و عباسی‌شوازی، محمدجلال (۱۳۹۷). مقایسه میان نسلی ایدئال‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج. مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۲)، ۴۹-۷۶.
- رزاقی‌نصرآباد، حجیبه بی‌بی و فلاح، لیلا (۱۳۹۷). بررسی تفاوت‌های نسلی ارزش‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن مورد مطالعه شهر قدیم هشتگرد. راهبر اجتماعی فرهنگی، ۷(۲۶)، ۱۹۷-۲۲۶.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۰) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج اول، تهران، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی (مطالعه موردی جوانان کارآموز در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۵ (پیاپی ۱۷)، ۱۰۹-۱۳۶.
- زاهد، سیدسعید و کاوه، مهدی (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی تغییرات خانواده، با تأکید بر نقش جهانی شدن فرهنگی بر تعاملات جنسیتی و تمایلات جنسی. نشریه رهیافت پیشگیری، ۲، ۱۴۷-۱۰.
- زواره، انسیه؛ شکرپیگی، عالیه و آزادارمکی، تقی (۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات گفتمانی نسل‌های سه‌گانه خانواده ایرانی، مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۷۱-۶۹.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: کیهان.
- سرایی، حسن و اوچاقلو، سجاد (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی: زنان شهر زنجان). (مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۴)، ۴۲-۱۹.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و ترابی، فاطمه (۱۳۸۵). تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۷(۴)، ۱۱۹-۱۴۶.
- عسکری‌ندوشن، عباس؛ عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۱۱(۴۴)، ۳۶-۷.
- فیضی، ایرج و ابراهیمی، فاطمه (۱۳۹۸). پیمایش ملی خانواده، تهران: جهاد دانشگاهی واحد استان البرز.
- قاسمی‌اردهایی، علی؛ نوبخت، رضا و ثوابی، حمیده (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی نگرش زنان متعلق به نسل‌های مختلف در زمینه سن ازدواج و ترکیب خانواده. مطالعات زن و خانواده، ۲(۱)، ۷۲-۵۳.
- قانع‌راد، محمدمبین (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی. تهران: نقد فرهنگ.
- قنبری‌برزیان، علی و کاویان‌نسب، مژگان (۱۳۹۸). تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نگرش‌های بین نسلی به کارکردهای ازدواج (مطالعه موردی سه نسل از زنان شهر اصفهان). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۰(۴۰)، ۲۴۴-۲۱۷.
- گروسی، سعیده و یاری‌نسب، فاطمه (۱۳۹۹). تفاوت نسلی نگرش به ارزش‌های ازدواج و عوامل مؤثر در آن در زنان ساکن شهر یاسوج. مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷)، ۱۳۱-۱۴۹.
- مرکز تحقیقات زن و خانواده (۱۳۹۳). مناسبات حاکمیت و خانواده. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- مالمیر، مهدی و ابراهیمی، مرضیه (۱۳۹۹). نوع‌شناسی ساختار قدرت در خانواده ایرانی. مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷)، ۷-۳۲.
- مدیری، فاطمه و مهدوی، محمدصادق (۱۳۹۶). بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل اثرگذار بر آن با تأکید نقش دین‌داری، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۹)، ۱۸۷-۱۵۵.
- مهدی، علی‌اکبر (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: پیام.
- Byun, W., Baek, K., & Kim, H. (2002). A study on the changes in the Korean family and the role and status of females. *Women's Studies Forum* (Vol. 17, pp. 125-38)
- Giddens, A. (1999). *Runaway World*. 4, Family. <http://www.bbc.uk/reith/1999/lecture4.html>.
- Toren, N. (2003). Tradition and Transition: Family Change in Israel. *Journal of Gender Issues*, 21, 60-76.
- Mannheim, K. (1952). The problem of generations. In Mannheim, K. (Ed.), *Essays on the sociology of knowledge*. London: RKP (First published in 1923).